

نمایشنامه ی طنز

چهارشنبه سوری

نویسنده : محمد عزیزی (نسیم)

بازیگران :

بچه های محله (چهار نفر)

پیر مرد یا پیر زن

دکتر

پرستار

پدر یا مادر

چهار نفر بیکار و بی حوصله در صحنه نشسته و زانویشان را بغل گرفته اند.

اولی [درحالی که از جایش بلند شده و دست می زند دور بچه ها یک دور می چرخد و می رسد سر جای قبلی اش می ایستد]:

آ...آه

مگسه پرید و در رفت

بچه ها با هم و با تعجب : مگسه پرید و در رفت؟

دومی : خب بالشو می بستی !

سومی : یا زندونیش می کردی

بچه ها: زندونی توی قوطی؟

سومی: آره به قوطی کبریت

چهارمی از جیش یک قوطی کبریت در می آورد.

چهارمی: اینم به قوطی کبریت!

بچه ها: توش چی چیه؟

اولی: عنکبوته؟

چهارمی: نه ، نه

دومی: شاپرکه؟

چهارمی: نه ، نه

سومی: دایناسوره؟

بچه ها: دایناسور که پر نداره باباش خبر نداره!

چهارمی: بسه خودم می گم چیه

تو این قوطی تی ان تیه؟

بچه ها با تعجب: تی ان تیه؟!

بعد با شادی می خوانند:

جانمی جان ترقه

آتیش ، صدا، جرقه

جانمی جان ترقه

آتیش ، صدا، جرقه

اولی: من نمی یام خطرناکه

آخر قصه غمناکه

بچه ها: بچه ننه نیا نیا

وقت خوابه برو لا لا

اولی سرش را پایین می اندازد و از بچه ها جدا می شود..

در همین موقع یک پیر مرد با عصا رد می شود:

چهارمی یک تی ان تی می اندازد پشت سر او صدای انفجار بلند می شود:

پیر مرد: چی بود چی بود تفنگ بود؟!

صدای توپ و جنگ بود؟!

صدای خنده ی بچه ها بلند می شود

پیر مرد: دارید به من می خندید؟

الهی خیر نبینید!

پیر مرد آرام آرام به راهش ادامه داده و از صحنه بیرون می رود.

دومی: آی بچه ها به فکری!

بچه ها: چه فکری؟

من یه نارنجک دارد

الان می رم می یارم

دومی از صحنه خارج می شود و سریع با نارنجک بر می گردد.

چهارمی: نارنجکش بزرگه

مثل چشای گرگه

دومی: اینور فیکم داده

صداش خیلی زیاده

سومی: بزنی بین چی می شه

می شکنه چند تا شیشه

دومی: بدون ترس و تشویش

می ندازمش تو آتیش

دومی جلو می رود و نارنجک را داخل سطل می اندازد. صدای انفجار بلند می شود.

دومی چشمش را گرفته و فریاد می زند و از صحنه بیرون می رود:

وای چشمم ... وای چشمم

سوختم ... سوختم ...

بچه ها با ترس از صحنه بیرون می روند. صدای آژیر آتش نشانی به گوش می رسد.

صدا: دکتر سلامی به بخش جراحی

دکتر سلامی به بخش جراحی

روی صحنه میزی با یک پارچه ی سفید است. نفر دومی با چشم بانداژ شده روی آن دراز می کشد.

دکتر با عجله وارد می شود:

زود باشید وسایل عمل رو آماده کنید.

پرستار: چشم

دکتر بانداژ روی صورت را باز می کند.

دکتر: لطفا وسایل شستشو

پرستار پنبه با یک کاسه آب را به دکتر می دهد.

دکتر: وای خدای من!

مردمک چشمش آسیب دیده

خدا خودش رحم کنه .

دکتر روی چشم کار می کند و دوباره باند را می بندد و از صحنه بیرون می رود.

خانواده ی نفر دوم وارد صحنه می شوند.

پرستار: لطفا بیرون باشید. تازه عمل شده! ملاقات نداریم.

پدر یا مادر: تو رو خدا بگید چی به سر بچه ام اومده!

پرستار: فقط دعا کنید. بتونه دوباره ببینه.

بچه ها با دکتر و خانواده آسیب دیده روی صحنه حاضر می شوند.

دکتر: آی بچه های باهوش

حرف منو بدید گوش

یه وقت چارشنبه سوری

نشه باعث کوری

همه با هم می خوانند:

حیفه بهارو نینیم بچه ها

شکوفه هارو نینیم بچه ها

سال خروسه بچه ها مبارک

قوقولی قوقو عید شما مبارک

چند پیشنهاد برای اجرای بهتر نمایش:

*در مدارس دخترانه می توان به جای پیر مرد از پیر زن استفاده کرد.

*برای صدای ترقه می شود از افکت های صدای انفجار استفاده کرد.

با خلاقیت خودتان می توانید این نمایش نامه را کم و زیاد کنید.

فقط دقت داشته باشید از ترقه ی واقعی در نمایش استفاده نکنید چون مجوزی می شود برای آوردن ترقه به مدرسه.

تاریخ نگارش: ۱۳۹۵/۱۲/۲۰

ظهر جمعه / محمد عزیزی (نسیم)

کاری از کانال تخصصی مربیان امروز